

# سوابق فرامین ملکوتی در ادیان قبل و

## در عهد اعلیٰ و عهد ابھی<sup>۱</sup>

شاپور راسخ

### ادوار سابقه

هرچند که دستور ابلاغ کلمه الهی در همه ظهورات قبل بوده، و در این مورد خود مظاهر الهی پیشقدم شده‌اند، اما در موارد بسیار مأمورین ابلاغ پیام حق علماء و روحانیون و پیروان برگزیده مظهر امر بوده‌اند، در حالی که در ظهور حضرت بهاءالله، با الغاء منصب روحانی، وظیفه مذکور مسئولیت همه مؤمنان شده است. ثانیاً، برای ابلاغ کلمه و تبلیغ نفوس در ابتدا برنامه‌ریزی خاصی در کار نبوده، و فقط در دوره‌های مؤخر بوده که سازمان‌های مذهبی مناطق خاصی را برای اعزام میسیونرها (مبشرین مذهبی) در نظر گرفته‌اند، در حالی که حضرت عبدالبهاء، به عنوان یکی از طلعات مقدسه این آئین، ۵۳ سال بعد از ظهور علنی جمال مبارک یک برنامه جامع شامل فهرست مناطقی که باید کلام الهی را دریافت دارند در الواح ملکوتی خود ارائه فرموده‌اند.

مظاهر الهی همیشه در ابلاغ کلمه خود به همگان سرمشق داده‌اند، و ضمناً کسانی را به نشر کلمه الله در میان اقوام بیگانه تشویق کرده‌اند، چنان که از حضرت مسیح در انجیل متی، فصل ۲۸، آیات ۱۸-۱۹ چنین نقل شده است: «پس عیسی پیش آمده به ایشان (حواریون) خطاب کرده گفت: «پس [از این] رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم ربّ و ابن و روح القدس تعمید دهید و ایشان را

تعلیم دهید که همهٔ اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند و اینک من همه روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم.»

هم در انجیل متی، باب دهم، سخنان حضرت مسیح خطاب به حواریون نقل شده که باید پراکنده شوند و مژدهٔ نزدیکی ملکوت آسمان را همراه ببرند. در آیهٔ ۱۴ آن باب مذکور است که هر که شما را قبول نکند، یا سخن شما گوش ندهد، از آن خانه یا شهر بیرون شده، خاک پایهای خود را برافشانید. و در آیات ۱۹ و ۲۰ آمده که در حضور حکام و سلاطین اندشه مکنید که چگونه یا چه بگوئید زیرا که در همان ساعت به شما عطا خواهد شد که چه باید گفت، زیرا گوینده شما نیستید، بلکه روح پدر شما در شما گوینده است.

در انجیل مرقس، باب اوّل، آیات ۱۴ و ۱۵ چنین آمده: "بعد از گرفتاری یحیی، عیسیٰ به جلیل (گاليله) آمده، به بشارت ملکوت خدا موعظه کرده، گفت: «وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید.»" بعد از مصلوب شدن، حضرت مسیح از عالم بالا، به شهادت انجیل مرقس (باب ۱۶، آیهٔ ۱۵)، به حواریون چنین دستور فرمود: "پس بدیشان گفت در تمام عالم بروید و جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید."

حضرت عیسیٰ بن مریم ضمن اخبار از انقضای عالم به گواهی انجیل متی (۱۴/۲۴) فرمود: "به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد، تا بر جمیع امت‌ها شهادتی شود. آنگاه انتها خواهد رسید."

بنابر انجیل لوقا، باز بعد از قیام حضرتش از قبر به حواریون فرمود (۴۷/۲۴): "از اورشلیم شروع کرده موعظه به توبه و آمرزش گناهان در همهٔ امت‌ها به نام او کرده شود."

هرچند در قرآن مجید قرائنی هست که ابلاغ کلمهٔ الهی می‌بایست به ملایمت و ملاطفت صورت گیرد، اما عملاً مقاومت و مخالفت کفار عرب سبب شد که پیشرفت اسلام به مدد شمشیر صورت گیرد، که غزوات زمان رسول اکرم شاهد آن است.

## عهد اعلیٰ

حضرت باب هرچند حکم جهاد را ملغی فرمودند، ولیکن دستوری جز ابلاغ کلمه الهی به سخن و عمل صادر نکردند، و بهترین گواه آن شرحی است که نبیل زرنندی در مورد بیانات آن حضرت خطاب به حروف حی قبل از اعزام آنان به مأموریت نقل کرده است (ترجمه فارسی تاریخ نبیل، طبع طهران، ۱۲۴ بدیع، صص ۷۴-۷۷): "پس از آنکه حضرت باب ملا علی بسطامی را امر فرمودند به عتبات عالیات توجه نماید، آنگاه سایر حروف حی را احضار فرمودند و هر یک را به طرفی مأموریت دادند و در حین وداع و خداحافظی به آنها فرمودند: "ای یاران عزیز من - شما در این ایام حامل پیام الهی هستید. خداوند شما را برای مخزن اسرار خویش انتخاب فرموده تا امر الهی را ابلاغ نمائید. بواسطه صدق گفتار و رفتار خود نماینده قوت و نورانیت ربانی گردید. تمام اعضای جسد شما باید بر ارتفاع مقامات شما شهادت دهند و به طهارت حیات و عظمت مقصود شما ناطق گردند ... بیانات مبارکه حضرت مسیح را که به شاگردان خود فرمودند بیاد آورید وقتی که میخواستند آنان را برای تبلیغ به اطراف بفرستند به آنها فرمودند شما مانند آتشی هستید که در شب تاریک بر فراز کوه بلند افروخته گردد. باید مردم از نورانیت شما مهتدی شوند. باید طهارت ذات و حسن رفتار شما طوری باشد که مردم دنیا بواسطه مشاهده حسن گفتار و رفتار شما به سوی پدر آسمانی ... متوجه گردند ..."

برخی عبارات الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء تکرار همان مواعظی است که حضرت ربّ اعلیٰ به حروف حی فرموده‌اند، مانند این جملات از افاضات حضرت باب: "انقطاع شما باید به درجه‌ای باشد که در هر شهری برای تبلیغ امرالله داخل شوید از مردم آن شهر به هیچ وجه اجر و مزدی توقع نداشته باشید، غذا و طعام طلب نکنید، و هنگامی که از آن شهر می‌خواهید خارج شوید گرد کفش‌های خود را هم بتکانید ..."

نمونه بیانات حضرت عبدالبهاء در همین زمینه بدین شرح است:

در لوح ششم - "نفوس ناطقی منقطع الی الله و منجذب به نفعات الله و منزّه و مقدّس از نفس و هوئی به آن صفحات بفرستید که زاد و توشه آنها تعالیم الهی باشد، و اوّل خود عمل نمایند، بعد ناس را دلالت کنند." (ص ۱۶)

در لوح هشتم، ضمن شرائط ناشران نفعات الله، می فرمایند: "شرط ثالث آن که مبلغینی به اطراف ممالک، بلکه به اطراف عالم، سفر نمایند، ولی نظیر عبدالبهاء که در بلاد آمریکا سفر نمود و از هر آلودگی پاک و مقدّس و در نهایت انقطاع، چنان که حضرت مسیح می فرماید: «چون در شهری وارد شوید غبار آن شهر را نیز از نعلین خویش بیفشانید.»" (ص ۳۱)

مضامین دیگری هم در بیانات حضرت اعلیٰ به حروف حی هست که بعد به وجهی در الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء تکرار می شود، مثلاً عبارتی از این قبیل «به ضعف و عجز خود نظر نکنید، به قدرت و عظمت خداوند مقتدر و توانای خود ناظر باشید» که در لوح اوّل از الواح ملکوتی بدین گونه بیان شده است: "حال نظر به استعداد و قابلیت خویش نباید نمائیم، بلکه نظر به عنایت و فیوضات الهیه در این ایام بنمائیم، که قطره حکم دریا یابد و ذره حکم آفتاب جوید." (۴-۵) حضرت ربّ اعلیٰ شخصاً، علاوه بر حروف حی، نفوسی چون وحید دارابی از اعلم علمای زمان را به امر خود تبلیغ فرمودند، و ضمناً آن حضرت به عده‌ای از حکّام و رؤسای زمان تویعاتی فرستادند و امر خود را به آنان اعلام و ابلاغ فرمودند، که شرح آن را در سفینه عرفان، دفتر ۸، آورده‌ایم و تکرارش در اینجا ضرورت ندارد.<sup>۲</sup>

از نکات درخور یادآوری آن است که حضرت اعلیٰ سلاطین بیان را به انتشار امرالله مأمور فرموده‌اند.

در باب دوم از واحد یازدهم صحیفه الاحکام (بیان) آمده که هر پادشاهی باید از کشور خود ۲۵ نفر از علماء را انتخاب نماید که دین خدا را نصرت کنند و ضعفا را حمایت نمایند لعلهم یوم القیامه بمن یظهره الله یومنون و یوقنون و دین الله ینصرون.

پس، از جمله وظائف ملوک نشر امرالله است، همان طور که در تاریخ مسیحیت دیدیم که پاپ الکساندر ششم از سلاطین مسیحی خواست که به نشر انجیل و بشارت به ظهور جدید مبادرت نمایند.

باز آن حضرت در کتاب بیان، باب پنجم از واحد چهارم، فرموده‌اند که سلاطین بدون آن که ذره‌ای حزن بر نفوس وارد کنند - هنگام فتح اراضی - باید به شئون دیگر ایشان را داخل در دین خداوند کنند: "اذن داده شده از برای فتح بلاد که کلّ را در ظلّ ایمان به خداوند و دین او وارد ساخته."

همان حضرت به مردم مغرب‌زمین خطاب کردند و آنان را به نصرت امر خود دعوت فرمودند: "یا اهل المغرب اخرجوا من دیارکم لنصرالله من قبل یوم یأتیکم الرحمن فی ظلل من الغمام." که عبارت اخیر اشاره به آیه‌ای قرآنی در مورد ظهور حضرت بهاءالله است.

### سوابق الواح ملکوتی در آثار حضرت بهاءالله

بی‌گمان می‌توان سوابق الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء را در آثار مبارکه حضرت بهاءالله، لا اقل در ده زمینه، جستجو کرد.

۱- نخست آن که از همان آغاز، یعنی دوره بغداد، حضرت بهاءالله دستور تبلیغ و هدایت نفوس را نخست به افعال و بعد به اقوال، صادر فرمودند. در کلمات مکتوبه، که به سال ۱۸۵۸م. عزّ نزول یافته می‌فرمایند: "لازال هدایت به اقوال بوده و این زمان به افعال گشته، یعنی باید جمیع افعال قدسی از هیکل انسانی ظاهر شود." این ترجیح اعمال بر اقوال با توجه به تصمیم آن حضرت بر اصلاح رفتار و اخلاق جامعه بایی نباید موجب سؤال شود.<sup>۳</sup> اعتقاد بنده بر این است که هرچند ابواب تبلیغ می‌بایست بعد از اعلان علنی آن حضرت در باغ رضوان مفتوح شده باشد، اما به خصوص بعد از تثبیت امر مبارک در اواخر دوره ادرنه و اوائل ورود به عکا بود که امر آن حضرت به نشر کلمه الهی توسط عامه اهل بهاء صادر شد، هم قولاً و هم عملاً، چنان که در خطابی به اهل بهاء (امر و خلق، ج ۳، ص ۴۵۵) می‌فرمایند: "قل هذا یوم القیام کیف انتم تقعدون و هذا یوم النداء و انتم صامتون. قوموا باسمی ثم انطقوا بالحکمة و الیّان لعلّ اهل الامکان

یتوجهون الی الرحمن الذی ینادی فی هذا المقام الممنوع..."، لوحی که محتمل است در عکاً صادر شده باشد، خصوصاً که می‌دانیم که بعد از شهادت بدیع امر به حکمت در بیان حقیقت فرمودند [سال ۱۸۶۹] (امر و خلق، ج ۳، ص ۴۷۷).

۲- زمينه دوم عبارت است از صدور الواح ملوک و سورة ملوک در دوره ادرنه - عکاً که خود حضرت بهاء الله از آن به عنوان تبليغ رؤسای ارض یاد می‌فرمایند (آیات بینات، ص ۱۶۴). در لئالی الحکمة، جلد ثانی، ص ۵۸، چنین آمده است: "بعد از بلايای لاتحصی و ورود در سجن اعظم در حالتی که جمیع ابواب بر حسب ظاهر مسدود و در دست ظالمین مبتلا و محدود، جمیع ملوک ارض را من دون ستر به کمال تصریح تبليغ نمودیم."

۳- تبليغ و نصرت امرالله در کتاب مستطاب اقدس (۱۸۷۳) به صورت یک تکلیف دینی برای عموم - در غیاب یک نظام روحانیت موظف - درآمد و همچنین تکلیف فرمودند احباء را به بذل کمک به مبلغین:

الف- انصروا یا قوم اصفیائی الذین قاموا علی ذکری بین خلقی و ارتفاع کلمتی فی مملکتی اولئک انجم سماء عنایتی و مصابیح هدایتی للخلائق اجمعین.

ب- بعد از تأسیس بیت عدل محلی و بیت عدل عمومی در کتاب اقدس و در الواح دیگر آمده که اول وظیفه بیت عدل محلی مذاکره در تبليغ امر است (لئالی الحکمة، جلد ثانی، ص ۶۹): "در هر مدینه از مدائن ارض به اسم عدل بیتی بنا کنند، و در آن بیت علی عدد اسم الاعظم از نفوس زکیه مطمئن جمع شوند... و بعد از ورود باید وکاله من انفس العباد در امور و مصالح کل تکلم نمایند، مثلاً در تبليغ امرالله اولاً، چه که این امر اهم امور است تا کل کففس واحده در سرادق احدیه وارد شوند، و جمیع من علی الارض هیکل واحد مشاهده شوند..."

پ- در کتاب اقدس هم انتظار خود را به آن که احباء چون شریان در جسد امکان نباض باشند بیان فرموده، اضافه می‌کنند "لیتحرك به العالم و کل عظم رمیم." (امر و خلق، ج ۳، ص ۴۵۷)

- ت- در کتاب اقدس تجویز تعلیم و تعلّم السنّه مختلفه را فرمودند و هدف آن را چنین مقرر داشتند: "لیبلغ امرالله شرق الارض و غربها."
- ۴- نه فقط نصرت به مبلغین را چنان که گفتیم دستور می‌فرمایند، بلکه حتی تأسیس صندوق برای اعانت به ناشرین نفعات را توصیه می‌فرمایند: "در هر ارضی باید اولیاء مشورت نمایند، از اهل آن ارض نفسی را به جهت تبلیغ معین کنند، و به واسطه نفسی که اسمش مستور و غیرمعین به مبلغ به قدر کفاف برسانند آنچه را که رفع احتیاج شود، تا به کمال اطمینان عباد را به افق عنایت الهی دعوت نماید، و آن نفس باید به طراز حکمت مزین باشد و بر سجیّه مقرّبین و مخلصین آگاه. بگو یا حزب الله وقت را غنیمت شمرد. قدر یوم الهی را بدانید. انصروا ربکم انه ینصرکم فضلاً من عنده" (امر و خلق، ج ۳، ص ۴۵۸)
- ۵- و نیز فرمودند که در صورت عدم امکان قیام فردی به این خدمت که عموم به آن مأمورند شخص توکیل غیر به تبلیغ از جانب خود کند، چنان که در امر و خلق، ج ۳، ص ۴۶۴، آمده: "اگر نفسی قادر به تبلیغ نباشد، وکیل معین نماید."<sup>۴</sup>
- ۶- حضرت بهاءالله خود نفوسی را رأساً و رسماً مأمور اسفار تبلیغی می‌فرمایند، که نمونه بارز آن، از جمله، جمال افندی است.
- سلیمان خان تنکابنی، یا جمال افندی، را به هندوستان فرستادند، که در نتیجه وی فاتح روحانی آن سرزمین شد (۱۸۷۵؟). جمال افندی جامعه بهائی را در بمبئی، کلکته، و مدرس، و محتملاً برمه، ایجاد کرد (ر.ک. ... *Eminent Bahá'ís*). وی مبلغ سید مصطفی رومی بود که بنیاد جامعه بهائی برمه را گذاشت (۱۸۷۷). در ۱۸۸۸ جمال افندی به اتفاق حاج فرج‌الله تفرّشی سفر طولانی به شرق آسیا کرد، شامل برمه، جاوه، سیام، سنگاپور، کشمیر، تبت، و شهرهایی در ترکستان چین و افغانستان (مرگش در عکا به سال ۱۸۹۸). و کتب تاریخ گواه آن است که نفوسی چون نبیل زرندی، نبیل اکبر قائنی، اسم الله الاصدق، ابن‌اصدق، و سایر ایادیان نیز به تشویق حضرت بهاءالله مستمراً در سیر و سفر تبلیغی بوده‌اند.
- نمونه بیانات مبارکه به اسم الله الاصدق ملا صادق خراسانی ذیلاً آورده می‌شود:
- امروز روز تبلیغ است. کلّ به او مأمور.

- و در لوح الاحباب به اسم الله می فرمایند: "سَخَّرَ مَدَائِنَ الْقُلُوبِ بِهَذَا الذِّكْرِ الْعَظْمِ وَ كُنْ مَنَادِيَا بَيْنَ الْاُمَمِ بِهَذَا الْاِسْمِ الَّذِي بِهِ اخذت الزلازل كل القبائل" (ص ۳۱)

و پس از صعود جناب اصدق به فرزند ایشان می فرمایند (پیک راستان، صص ۴۸-۴۹): "جميع عباد لعرفان الله خلق شده اند و نفوسی که الیوم به شطر اقدس و اسم اعظم توجه نموده اند به تبلیغ امر الهی مأمورند."

و نیز: "انشاء الله در کلّ اوان به ذکر محبوب یکتا مشغول باشید و رحیق عرفان را به اعانت اسم اعظم بر امم مبذول دارید، تا جمیع احزاب در این یوم ایاب از نفحات وحی ربّ الارباب محروم نمانند و به آنچه مقصود اصلی خلقت انسانی است فائز گردند."<sup>۵</sup>

۷- می توان گفت که با تأسیس مؤسسه ایادی، یا دقیق تر گوئیم نصب افراد ایادی، تبلیغ امر صورت نهادی-سازمانی گرفت (۱۸۸۶-۱۸۸۷)، یعنی با انتصاب علی قبل اکبر، ابن ابهر، ابن اصدق، و جناب حسن ادیب. البته وظیفه دیگر حضرات حفظ و حراست احباء و به اصطلاح صیانت بود.

۸- تشویق عدّه کثیری از نفوس به سیر و سفر به قصد نشر کلمه. نمونه ای چند از هزاران بیانات جمال مبارک را در اینجا می آوریم:

- طوبی از برای عبادی که خالصاً لوجه الله قصد بلاد نمایند لاجل تبلیغ امر الله.

- نفس حرکت لوجه الله در عالم مؤثر بوده و هست.

- احبای الهی، به مثابه نسیم صبحگاهی، باید بر کلّ دیار مرور کنند تا جمیع بقاع ارض به فیض اعظم فائز شوند.

و در مورد اولویّت این خدمت فرموده اند: "لا يقابله عمل من الاعمال."

و در لوحی فرموده اند: "دیاج کتاب وجود به ذکر احبائی مزین است که سافروا فی البلاد باسمه و ذکره."

در تجلیل مقام مبلغ و خادم امر الهی نمونه ای از بیانات جمال ابهی ذیلاً نقل می شود:

- امروز خادم امر الهی و مبلغ آیاتش از اعلی الخلق در کتاب مذکور.



- به قدر وسع در تبلیغ امرش جهد نما، که الیوم اقرب قربات در نزد سلطان اسماء و صفات این رتبه بلند اعلیٰ است.<sup>۶</sup>

حضرت بهاءالله به شهادت آنچه ذیلاً از قلم خادمالله نقل می شود توجه خاصی به نیاز مبلغ در مناطق مختلف داشته اند: "جناب اسم الله ج م در این مقام کلمه ای عرض نمود که به اصغاء فائز و به نور قبول منور. قوله: نوشته اند که حدود کردستان بسیار مستعد و مبلغ لازم دارد. اما به شرط آنکه نفس اعلاء امر را منظور دارد و برای خود بساطی پهن ننماید."<sup>۷</sup>

و باز در لزوم حرکت مبلغین فرموده اند: "یا اسمی الجمال، اگر نفسی در مشرق زمین باشد و آن جناب در مغرب، و اراده نماید به عرفان الله فائز گردد، بر آن جناب حتم است مع استطاعت که به آن ارض توجه نماید، و رحیق حیوان را به قدر استطاعت و قابلیت او بر او مبذول دارد ... ای جمال به شفقت پدری با جمیع اهل ارض معاشر باش و همچنین از ثدی حکمت جمیع را تربیت نما."<sup>۸</sup>

در مورد تأکیدی که حضرت بهاءالله در مورد اسفار تبلیغی می فرمودند، حکایتی که حضرت عبدالبهاء نقل فرموده اند به خوبی مؤید مطلب است. جناب بدیع بشروئی در یادداشت های خود به تاریخ ۲۷ جون ۱۹۱۴ در حیفا چنین نقل می کنند: "شب را قریب یک ساعت و نیم مشرف بودیم. بیان مبارک در خصوص تبلیغ بود. از جمله محتوای بیان این بود که «در ایام جمال قدم جل اسمه الاعظم هرگاه به کسی عنایت مخصوص داشتند امر به تبلیغ می فرمودند و همیشه الواح مبارک به افتخار مبلغین نازل می شد. حتی وقتی به قدری توصیف به امر تبلیغ فرمودند که من به خیال افتادم فرداً وحیداً با یک صندوق کوچک از الواح مبارک به سمت کاشغر حرکت کنم (کاشغر، شهر مرکزی ترکستان شرقی، محاط به دشت های حاصل خیز، و در بین کوه های مرتفع، واقع در میان سه کشور چین، ترکستان، و افغانستان، یعنی نقطه تلاقی و محل ایاب و ذهاب چند راه کاروان رو بوده است). تذکره گرفتم و مفتی عکا هم ضامن شد. چون قریب به حرکت رسید، این خبر به متصرف عکا رسید (متصرف عکا آن وقت ابراهیم پاشا بود). خبر فرستاد که {ما بی ادبی نمی کنیم، ولی وظیفه ما این است که چون شما حرکت کنید ما یک تلگرافی به اسلامبول مخابره کنیم.} این بود که حرکت نکردم.

مقصد این است که من که احباب را حرکت می‌دهم از برای تبلیغ است. صحیح است که هر دقیقه‌ای اینجا مساوی به هزار سال است، در ظلّ عتبه مبارکه بودن فیض عظیمی است، ولی امر تبلیغ اعظم است.»<sup>۸</sup>

نقل یک داستان دیگر را که باز گواه شدت علاقه حضرت بهاء‌الله به موضوع تبلیغ است مفید می‌داند. در کتاب بهاء‌الله شمس حقیقت (ص ۳۲۵) آمده است: "در اواخر ایام ادرنه حضرت بهاء‌الله به عده‌ای از اصحاب می‌فرمودند که از ادرنه خارج شوند «زیرا چرا باید همه زندانی شوند و کسی برای تبلیغ امر الهی باقی نماند؟»"

۹- تبلیغ غیرمسلمانان و گشوده‌شدن امر جمال ابهی بر روی یهودیان، زرتشتیان، و مسیحیان، یکی دیگر از زمینه‌هایی بود که امکان صدور الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء در ابلاغ کلمه الهی به همه ملل و نحل عالم را به وجود آورد.

اگر سال نزول کتاب مستطاب اقدس را چنان که گفته‌اند ۱۸۷۳ بدانیم، اندکی بعد از نزول این اثر عظیم بود که به تأثیر قوه خلاقه کلمه الهی مصداق "التعاشرو مع الادیان و تبلیغوا امر ربکم الرحمن هذا لا کلیل الاعمال لو انتم من العارفين" و یا "عاشروا مع الادیان بالروح و الريحان لیجدوا منکم عرف الرحمن. ایاکم ان تأخذکم حمیته الجاهلیه بین البریه... " ابواب معاشرت و تبلیغ به سوی ادیان یعنی جوامع دینی سایره مفتوح شد و بزودی مصدقین فراوانی از یهود و زردشتیان به جامعه بهائی پیوستند (۱۸۷۵-۱۸۸۰)، جامعه‌ای که حکم نجاست را ملغی کرده بود<sup>۹</sup> و تعصب جاهلی را مردود می‌شمرد.

به این اعتبار می‌توان گفت که گسترش امر الهی به ادیان غیراسلامی جزئی از نقشه الهی بود که در دوران حیات واضح امر مبارک تحقق یافت و بعد از صعود حضرت بهاء‌الله تا آخر قرن مذکور (قرن ۱۹) جمع قابل ملاحظه‌ای از مسیحیان آمریکا را هم در ظلّ امر الهی آورد.<sup>۹</sup>

در مورد ورود اقلیت‌های یهودی و زردشتی در امر بهائی مختصر توضیحی مفید تواند بود:

- پس از اعلام جمهوری ظهور در باغ نجیبیه بغداد (۱۸۶۳) و بعد اعلام عمومی آن در ادرنه (حدود ۱۸۶۸) بیش از ده سال نگذشت که جنبه

جهانی ظهور حضرت بهاءالله با ورود اقلیت‌های یهودی، زردشتی، و بعداً مسیحی، ثابت و مبرهن گردید.

- سابقه ایمان ابنای خلیل به زمان حضرت اعلیٰ بازمی‌گردد. حکیم هارون در منزل حاجی میرزا جانی در کاشان به شرف لقا فائز شد و ایمان آورد (حدود ۱۸۴۷). حکیم مسیح، که حضرت طاهره را در کربلا ملاقات کرده بود، با دیدار جناب ملاصادق مقدس در سجن طهران در حدود ۱۸۶۱ ایمان آورد.

- به قول دکتر حبیب ثابتی، از اولین مؤمنان عهد ابهی حکیم آقاجان است. اوّل من آمن کلیمیان در همدان، به قول جناب موسی امانت حکیم آقاجان، که طیب و مطلع در معارف اسرائیلی بود، با ابن اصدق ملاقات کرد (۱۸۷۷) و تصدیق کرد و سبب اقبال کثیری از برادران اسرائیلی شد. جناب اشراق‌خاوری تصدیق حکیم آقاجان را، که با ملاحظه حسن رفتار جنابان محمدجواد و محمدباقر نراقی روی داد، به سال ۱۸۷۵ برمی‌گردانند. قطعاً ملاقات با ابن اصدق سبب تحکیم ایمان ایشان و رونق بازار تبلیغ در همدان شد.

- در گزینولوژی بهائی سال تصدیق اوّل زردشتی در عهد ابهی ۱۸۸۰ ذکر شده. اما تصدیق سهراب پورکاوس در عهد اعلیٰ در کاشان روی داده، با مشاهده شهادت یک بابی معصوم.

- اوّل زردشتی مصدّق در عهد ابهی کی خسرو خداداد، متولد یزد و ساکن کاشان، وی عضو انجمن زردشتیان بود.

- به گفته حبیب لوی، مؤلف تاریخ یهود ایران، تا سال ۱۸۸۴ (یعنی کمتر از ده سال بعد از تصدیق اوّل کلیمی همدان)، از ۸۰۰ خانواده یهودی همدان، ۱۵۰ خانواده تصدیق امر بهائی را کرده بودند. جرج کورزن هم گوید حدود ۷۵٪ یهودیان گلپایگان و بیش از نصف یهودیان کاشان وارد امر مبارک شده بودند (حدود سال ۱۸۸۹). سفیر انگلستان، هنری ولف Wolf، در راپرت سال ۱۸۹۰ خود از جنبش چشم‌گیر اقبال یهودیان به امر بهائی سخن گفته. به قول لرد کورزن، در سال ۱۸۸۹ حدود ۱۵۰ یهودی

در طهران به امر بهائی روی آورده بودند، و حدود ۱۰۰ در همدان، و ۵۰ در کاشان، و ۷۵ در صد یهود گلپایگان.

- اطلاع دقیقی در مورد تصدیق مسیحیان به امر بهائی، که خصوصاً در سالهای آخرین قرن نوزدهم، در زمان حضرت عبدالبهاء، در آمریکا روی داد، در دست نیست. در بهجت‌الصدور، ص ۱۲۶، می‌خوانیم که در موقع تبعید حاج میرزا حیدرعلی به سودان، حضرت بهاء‌الله، که تازه وارد عکا شده بودند، حاجی جاسم بغدادی عرب را برای تحقیق و دادن اطمینان به عنایات الهی به سودان می‌فرستند، و حاجی جاسم در خرطوم ایشان را پیدا می‌کند. حاج میرزا حیدرعلی و حاجی جاسم عده‌ای از مسلمانان و نصاری را دعوت می‌کنند که در باره امرالله با آنها گفتگو کنند. خواجه الیاس مسیحی، که مردی خوش فهم و منصف بوده، کلام الهی را می‌شنود و خیلی محبّ امر می‌شود، ولی بعد خبرش مفقود است.

در کتاب بهاء‌الله شمس حقیقت (صص ۳۴۴-۳۴۶) از جناب نبیل زرنندی که به دنبال حاج میرزا حیدرعلی رفت و قنسول ایران او را در اسکندریه به زندان افکند نقل شده که یک حکیم مسیحی پرتستانی بوده به نام حکیم فارس که نبیل او را به امر مبارک هدایت کرده، و مخاطب لوحی از حضرت بهاء‌الله نیز شده (این واقعه حدود ۱۸۶۸ روی داده).

این جهانی شدن آئین آخرالزمان را کتب مقدسه سابقه پیش‌بینی کرده بودند:

- اشعیاء نبی، باب ۹، وقتی پیش‌بینی موعود را می‌کند که سلطنت بر دوش او خواهد بود. اضافه می‌کند که بر سلطنت وی انتها نخواهد بود (آیه ۷). و نیز در باب دوم می‌گوید که او امت‌ها را داوری خواهد نمود.

- باب ۲۴ انجیل متی مربوط به سخنان حضرت عیسی مسیح در باره روز تحقق وعود است، و پیداست که این واقعه همه صحنه جهان را اشغال خواهد کرد، زیرا می‌فرمایند اگر آن ایام کوتاه نشدی هیچ بشری نجات نیافتی.

و اضافه می‌کنند، هم‌چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود (آیه ۲۸)، عبارتی که بیان

جمال اقدس ابهی را به خاطر می‌آورد که فرمودند قل انه قد اشرق من جهة الشرق و ظهر فی الغرب آیاته. تفکروا فیه یا قوم.<sup>۱۰</sup>

در قرآن مجید، در سوره الزمر، آیه ۶۸ گفته شده که دو بار در صور دمیده می‌شود، و هر که در آسمان و زمین است بار اول بی‌هوش می‌شود و در مرتبه دوم برمی‌خیزد و به نظاره می‌پردازد (وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعَقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ)، که البته نظر بر عموم ابناء بشر بوده است.

۱۰- در مرتبه آخر ذکر این مطلب مفید است که به فرموده حضرت بهاءالله کلّ برای اعلاء کلمه خلق شده‌اند، و به عبارت دیگر مصدّقین جدید هم موظّف به نشر کلمه الهی هستند، و اگر همه یاران در طول زمان به این وظیفه ملکوتی قائم بودند فی الحقیقه بخش عمده عالم در ظلّ کلمه الهی در می‌آمد. ذکر دو بیان از حضرت بهاءالله مؤید این مقال است:

- در لثالی الحکمة، که مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی است، در جلد اول، صفحه ۱۶۴، چنین آمده است: "لعمرالله کلّ از برای عرفان حقّ جل جلاله و اعلاء کلمه خلق شده‌اند و هم چنین از برای اصلاح عالم و تهذیب امم از عدم بوجود آمده‌اند."

- و در همان کتاب این مطلب را که در الواح سایره نیز مذکور است یادآور شده‌اند که "اگر تا حال اولیاء و اصفیاء بما امرهم به القلم الاعلیٰ عمل می‌نمودند جمیع ارض به نور ایقان منور مشاهده می‌شد." (ج ۱، ص ۱۲۰) عمومیّت وظیفه تبلیغ را این بیان مبارک تصریح می‌کند: "هر نفسی که موقن بالله شد باید بنفحه رحمانیه که فی الحقیقه صور اعظم و علّت حیات عالم است قلوب مرده را احیاء نماید و بشاطی بحر عرفان کشاند." (لثالی، ص ۱۷۴)

جمال ابهی در امر تبلیغ مسئولیت مؤسّسات امری را نیز مورد نظر داشته‌اند، چنان که در لثالی الحکمة، جلد ثانی، ص ۶۹، ملاحظه می‌شود که تبلیغ را اول فریضه محافل روحانی دانسته‌اند: "در هر مدینه از مدائن ارض به اسم عدل بیتی بنا کنند و در آن بیت علیّ عدد اسم الاعظم [۹] از نفوس زکیه مطمئن جمع شوند ... و بعد از ورود باید وکاله من انفس العباد در امور و مصالح کلّ تکلم نمایند، مثلاً در

تبلیغ امرالله اولاً، چه که این امر اهمّ امور است، تا کلّ کنفس واحدہ در سراق احدیہ وارد شوند و جمیع من علی الارض هیکل واحد مشاهده شوند، و هم چنین در آداب نفوس و حفظ ناموس و تعمیر بلاد و السیاسة الّتی جعلها اللّٰه اُساً لِلْبِلَادِ وَ حِرْزاً لِلْعِبَادِ ملاحظه کنند..."

بر طبق همین لوح مبارک از دیگر وظائف بیت‌العدل محلی توجّه در تعلیم و اکتساب علم توسط کودکان است، و توجّه به اغنیاء و اعزّه که به علت ضعف و پیری یا امر آخر به فقر و ذلّت مبتلا شده‌اند.

آن چه که در سوابق موضوع تبلیغ و نشر کلمه الهی در آثار جمال ابهی و حضرت ربّ اعلیٰ گفته شد ما را به این نتیجه می‌رساند که صدور الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء ابتدا به ساکن نبوده، بلکه به دنبال ارشادات و افاضاتی بوده که از دو مطلع وحی الهی پیش از آن حضرت عزّ نزول پیدا کرده و حتی فکر بسط کلام حقّ در ممالک غرب را مطرح فرموده است. حضرت عبدالبهاء به آن سوابق صراحت و دقت بیشتر دادند و جامعه آمریکای شمالی را به اجرای آن مسؤل و مأمور فرمودند.

ناگفته نگذاریم که حضرت بهاءالله در اواخر ایام (۱۸۹۰) با پرفسور ادوارد براون ملاقات داشتند، و هم از قلم جمال ابهی الواحی به افراد مسیحی مشخص، یا عامّه مسیحیان، چون لوح اقدس که خطاب آن به ملا ابن است، عزّ نزول یافت که در بحث از ارتباط مظهر ظهور با جهان غرب می‌توان مورد بحث و فحص قرار داد. اما به رعایت اختصار به همین اشارت کفایت می‌شود.

### یادداشت‌ها

۱- مثلاً، ملا علی بسطامی را به عراق، ملا یوسف اردبیلی را به خطّه آذربایجان، ملا خلیل ارومیه‌ای را به قزوین، جناب باب‌الباب را به طهران و نقاط آخری، و به همین قیاس دیگر حروف حی را.

۲- نفوسی که پیام‌های آن حضرت را دریافت کردند عبارت بودند از محمدشاه قاجار - حاج میرزا آقاسی صدر اعظم - سلطان عبدالمجید عثمانی - والی مسقط - والی بغداد - حکمران آذربایجان - شریف مکه.

۳- حتی در دوره ادرنه و بعد نیز رجحان به اعمال در مقایسه با اقوال داده شده است، من جمله در این بیان مبارک: "ینبغی لاهل البهء ان ینصروا الربّ به بیانهم و یعطوا الناس باعمالهم و اخلاقهم. اثر الاعمال انفذ من الاقوال."

این که گفتیم پس از تثبیت امر مبارک در ادرنه بود که دستور تبلیغ آشکار امر بدیع پروردگار صادر شد، از جمله شواهدش سوره‌الدم است، که وقتی نبیل زرنندی در مشهد بود به دریافت آن فائز شد (اپریل ۱۸۶۶)، که در آن بعد از سوره اصحاب و لوح خاص دیگری به افتخار وی، مؤمنین را به لزوم قیام و اعلان و انتشار امر مبارک و تشریح مقام حضرت بهاء‌الله به عنوان موعود بیان تشویق فرموده بودند، سوره‌ای که در مجمع سرآمدانی چون میرزا محمد فروغی، ملا صادق مقدس خراسانی، حاج عبدالمجید نیشابوری (پدر جناب بدیع)، و آقا محمد نبیل اکبر قائنی و شیخ احمد شهید نیشابوری در بیت جناب فاضل قائنی در بهار سال ۱۸۶۶م. زیارت شد "و علناً و رسماً مقام جمال قدم را به عنوان من ینظهره‌الله موعود بیان تثبیت کرد." (ر.ک. دکتر وحید رأفتی - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر، ج ۷، صص ۳۴-۳۵)

۴- متن کامل بیان مبارک چنین است: "از حق بخواهید دوستان را موفق فرماید بر تبلیغ و فراهم نمودن اسباب آن. در یکی از الواح این کلمه علیا از قلم اعلیٰ نازل که اگر نفسی قادر بر تبلیغ نباشد وکیل معین نماید. جمیع همّت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید. هر نفسی که خود لایق این مقام اعلیٰ است به آن قیام نماید و الا له ان یاخذ وکیلاً لنفسه فی اظهار هذا الامر الذی به ترزع کل بنیان مرصوص ..."

۵- در مورد خدمات ابن‌اصدق در تبلیغ و اشاعه امرالله رجوع شود به "پیک راستان"، صص ۳۴۵-۳۴۷.

۶- کتاب صریرات، ص ۱۱۷.

۷- کتاب صریرات، ص ۱۱۸.

- ۸- در کتاب اقدس: "و كذلك رفع الله حكم دون الطهاره عن كل الاشياء و عن ملل اخرى موهبةً من الله."
- ۹- در احادیث اسلامی (بحار، ج ۱۳، ص ۱۹۴) آمده که حضرت باقر فرموده‌اند که مهدی یا قائم موعود یحکم بین اهل التوراة بالتوراة و بین اهل الانجیل بالانجیل و بین اهل الزبور بالزبور و بین اهل الفرقان بالفرقان. یعنی شمول امرالله به همه ادیان سابقه در نبوات پیش‌بینی شده بود.
- ۱۰- نقل از کتاب قرن انوار، ص ۳۱.